



موزار خردسال با پدرش
لئوپولد و خواهرش ماریانه

شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نوازندگان بزرگ پیانو

ترجمه امیر اشرف آریان پور

پیانو دیرتر از سایر سازها یعنی در اوایل قرن هیجدهم در تالارهای کنسرت راه یافت. موزاروین را سرزمین حقیقی پیانو میدانند زیرا این شهر بیش از سایر شهرها و نیز زودتر از آنان به نوازندگان پیانو میدان داد. البته در زمان موزار پیانیستها نقش عمده‌ای به عهده نداشتند و غالباً نام آنان بعد از خوانندگان و

نوازندگان ویولون و حتی نوازندگان سازهای بادی ذکر می‌شد .
 تاریخ موسیقی موزار را «اولین پیانیست بزرگ جهان» می‌شمارد . او
 ابتدا با نوازندگی «کلاوسن» و سپس با اجرای ساخته‌های خود با «پیانو»، دوستداران
 موسیقی را متوجه این ساز جدید کرد. در سال ۱۷۷۷ موزار مسابقه نوازندگی پیانو



موزارو کلیمتی



لودویگ فان بتهوون

با «فرانس خاورا-سترکل»^۱ داد؛ چهارسال بعد هم در حضور ژوزف دوم امپراطور اطریش با «کلمنتی» دست و پنجه نرم کرد؛ این مسابقات نیز بیشتر در آشنائی علاقمندان موسیقی با پیانو مؤثر بود .
بزودی «ویزتوئوز»های معروفی از قبیل «کلمنتی»، «دانیل اشتایبالت»^۲، «یوهان لاریسلاوس دوسک»^۳، «ژوزف ولفل»^۴ و «لئوپولد آنتون کوزلوخ»^۵ جانشین موزار شدند .
دوسک در شهرهای لندن ، آمستردام ، برلن ، پاریس ، میلان ، پراگ و

۱- F. X. Sterkel

۲- D. Steibelt

۳- J. L. Dussek

۴- J. Wölfl

۵- L. A. Kogeluch

پطرزبورگ مورد استقبال زیاد قرار گرفت. کلمنتی، اشتایبلت و ولفل نیز در غالب کشورهای اروپا برنامه‌هایی با موفقیت اجرا کردند.

هریک از نوازندگان فوق در زمینه خاصی شهرت یافتند؛ کلمنتی در اجرای «پاساز»های سوم و هشتم، دوسک در اثر استفاده زیاد از پدال و اشتایبلت بخاطر اجرای باتفاق زنی (زن او موقع نوازندگی شوهرش با «دایره» او را همراهی می‌کرد). کلمنتی در سال ۱۸۰۷ راجع به نوازندگی پیانو بتهوون اینطور اظهار عقیده کرد: «نوازندگان پیانو هم‌ردیف او کمیاب نیستند، اما او همیشه با احساس می‌نوازد». بتهوون با «آکوردهای قوی»، استفاده از پدال و ایجاد طنین پر قدرت شهرت داشت و بقول چرنی «اجرایش خارق‌العاده و پر شخصیت است». او غالباً آثار خود را می‌نواخت و علاوه بر سونات‌هایش، چهار کنسرتوی پیانو، خود را نیز شخصاً



کارل چرنی

یوهان نپوموک هومل

برای اولین بار اجرا کرد. تاریخ موسیقی بتهوون را یکی از بزرگترین بیانیست‌های جهان می‌شناسد.

در اوایل قرن نوزدهم کنسرت‌های سلو به مفهوم امروز وجود خارجی نداشت و هنرمند ناچار بود از شهری به شهر دیگر مسافرت کرده و با مشکلات فراوان در هر محل ارکستری را حاضر به همکاری با خود نماید و شاید به همین دلیل بود که چندی بعد «کارل ماریافون و بر» انجمنی بنام «تشکیلات موسیقی آلمان» ترتیب داد و این انجمن کمک موثری در اجرای برنامه، به نوازندگان مسافر می‌کرد.

یکی از بیانیست‌هایی که در آن زمان کنسرت‌های موفقیت آمیزی در شهرهای مختلف اروپا اجرا کرد «یوهان نیپوموک هومل» شاگرد با استعداد موزار بود. در آن روزها به کودکان نابغه و با استعداد توجه زیادی می‌شد، بطوری که در سال ۱۷۹۲ در حدود نصف اجرا کنندگان کنسرت بچه‌های کوچکتر از چهارده سال بودند. هومل فقط ۹ سال داشت که در شهر درسدن بروی صحنه آمد. یکسال بعد با اتفاق پدرش بسفر رفت و کنسرت‌های زیادی در شهرهای پراگ، برلن، کپنهاگ و ادنبورگ اجرا کرد. هومل در بیست سالگی در شمار بیانیست‌های معروف اروپا بود؛ بخصوص تکنیک روان و پخته او در موفقیتش سهم بسزائی داشت.

دو بیانیست دیگر از نظر کاروشخصیت در ردیف هومل بودند و آن دو عبارتند از: کارل چرنی شاگرد بتهوون و «ایگناز موشله»^۲ دوست نزدیک فلیکس مندلسون. چرنی در پانزده سالگی در شهر محل تولد و سکونت خود وین «معلم پیانو» شد و بزودی تعدادشادگردان او بحدی رسید که شرط کرد در روز به بیش از دوازده هنرجو تعلیم ندهد. یکی از شاگردان برجسته چرنی فرانس لیست بود که استاد از یازده سالگی او را بشاگردی پذیرفت و بخاطر استعداد فراوانی که داشت چرنی با او مجاناً تعلیم می‌داد.

«ایگناز موشله» نیز در وین و سپس در آکادمی سلطنتی موسیقی لندن و کنسرواتوار لیزیک که در سال ۱۸۴۳ بنیان یافت - به تعلیم پیانو پرداخت و با اجرای برخی از آثار خود از قبیل «واریاسیون روی مارش الکساندر» بعنوان یک بیانیست معروف شد. علاوه بر آن از سال ۱۸۳۶ برنامه‌های خاصی با اسم «جلسات تاریخی برای موسیقی پیانو» در لندن ترتیب داد که بزودی جلب نظر مردم را کرد. در این جلسات موشله می‌کوشید که موسیقی قدیم را احیاء نموده و بخصوص آثار باخ و

۱ - J. N. Hummel

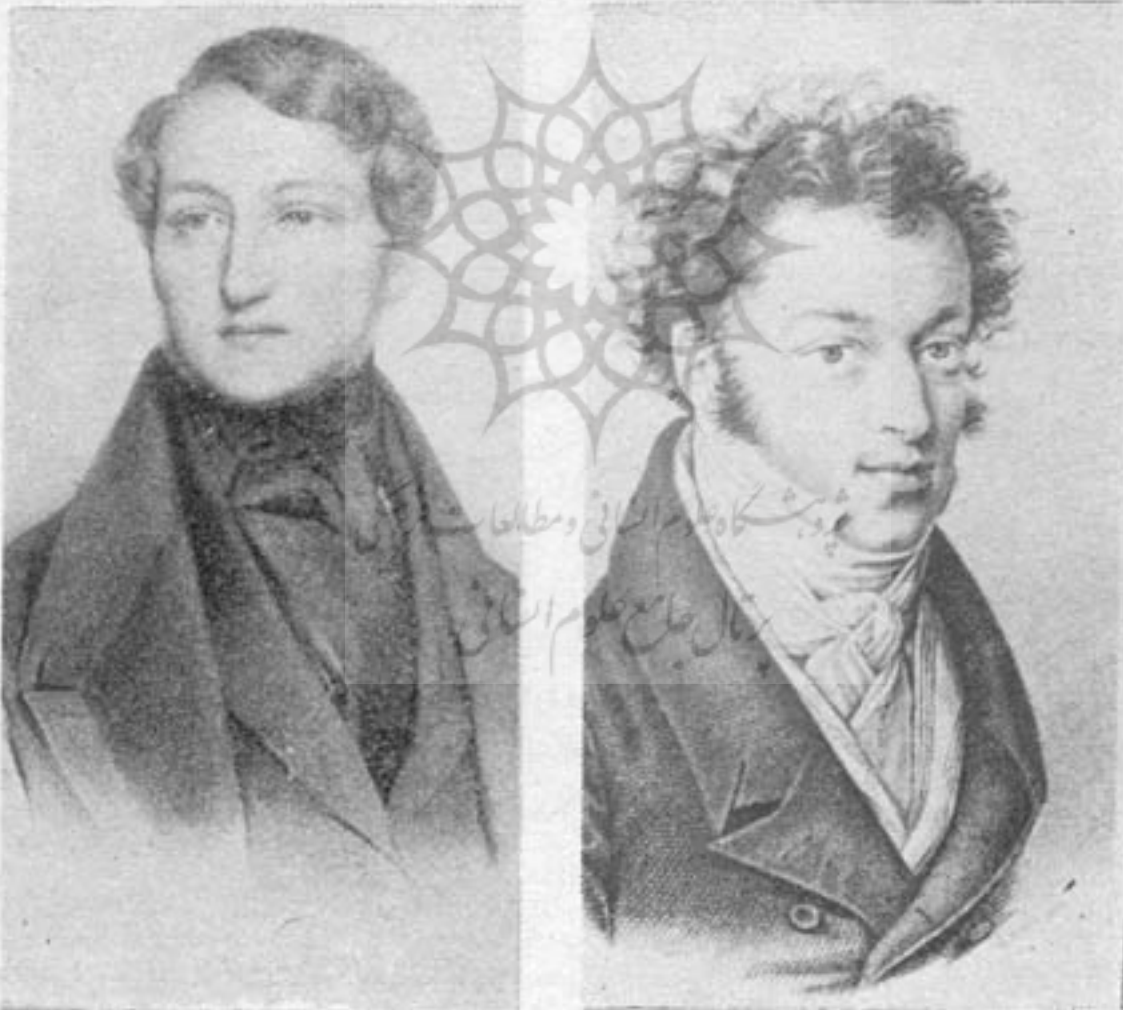
۲ - I. Moscheles

اسکارلانی را اجرا کند.

باین ترتیب سال‌های قبل از انقلاب ماه مارس ۱۸۴۸ دوران طلائی «ویرتوئوزیته» بود. مخصوصاً بعد از موفقیت‌های پاکانی‌نی مردم فقط به کنسرت‌هایی می‌رفتند که در آنها «ویرتوئوز»‌های معروف با ساز خود «جادو» می‌کردند؛ در نتیجه تالار کنسرت به «شعبده‌بازی» و «جادوگری» اختصاص یافت.

توجه به این نوع «ویرتوئوز»‌ها در همه جا بخصوص در پاریس روز افزون بود، تا آنجا که «هاینریش هاینه» در نامه‌ای که در سال ۱۸۴۳ از پاریس نوشت راجع به «ویرتوئوز»‌ها اینطور اظهار عقیده کرد: «ویرتوئوزهای جوان مثل موروملخ‌عازم پاریس شده‌اند.»

برخی از معروف‌ترین پیانیست‌های این زمان از این قرارند: «الکساندر



زیگموند تالبرگ

ایگناز موشله

درایشوک^۱، «زیگموند تالبرگ»^۲، «هنری هرتس»^۳ و «فردریک کالکبرنر»^۴ این نوازندگان با آنکه معاصر پیانیست نابغه‌ای چون فرانس لیست بودند، باز توانستند شهرت فراوانی کسب کرده و «پوبلیک» علاقمندی‌گرد خویش جمع کنند.

«الکساندر درایشوک» اهل بوهم بود و تکنیک درخشانی، بخصوص در اجرای پا-اژهای سوم و ششم داشت. بقول هاینریش هاینه: «شخص گمان نمی‌کند که درایشوک به تنهایی پیانو می‌نوازد، زیرا در عین حال صدای سه پیانو را می‌شنود.» درایشوک کنسرت‌های موفقیت آمیزی در اروپا، بخصوص در آلمان، روسیه، فرانسه، انگلیس و سوئد اجرا کرد. اما در امریکا میدان برای «هنری هرتس» و «زیگموند تالبرگ» خالی ماند. هرتس سه مرتبه در امریکای شمالی کنسرت داد. او پیانیستی چیره دست و آهنگسازی با ارزش بود. زیگموند تالبرگ نیز تا برزیل سفر کرد و در همه جا با استقبال کم نظیری روبرو شد. تکنیک این «ویرتوئوز» هنرمند عالی بود.

«کالک برنر»، «درایشوک»، «هرتس» و «تالبرگ» علاقمندان خود را با اجرای «ویرتوئوزیته» های خود سرگرم می‌کردند و آثار کلاسیک‌ها بندرت در برنامه آنان اجرا می‌شد. در سال ۱۸۳۵ پیانیست جوانی یکی از سونات‌های بتهوون را در کنسرتی نواخت و این موضوع بعدی برای شنوندگان تازگی داشت که مجله «فرایشوتس» با حیرت و تحسین از برنامه آن شب نام برد؛ اتودهای شوپن و فوگ‌های باخ نیز سرنوشت سونات‌های بتهوون را داشت. در آن سالها فقط سه موسیقی‌دان، موسیقی کلاسیک پیانو را در تالارهای کنسرت رواج دادند و آنان عبارتند از: مندلسون، موشله و لیست.

در سال ۱۸۳۷ دوستان اران موسیقی در پاریس شاهد یک برنامه فوق‌العاده و استثنائی بودند. شش تن از معروفترین پیانیست‌ها؛ شوپن، چرنی، هرتس، تالبرگ، «یوهان پتر پیکسیس»^۵ و لیست مشترکاً کنسرتی ترتیب دادند. در این برنامه هر یک از پیانیست‌های مزبور یک واریاسیون را که شخصاً روی «مارش پوریتانی» اثر بلینی ساخته بود، نواخت. فرانس لیست موظف بود که علاوه بر اجرای واریاسیون،

۱ - A. Dreyschock

۲ - S. Thalberg

۳ - H. Herz

۴ - F. Halkbrenner

۵ - J. P. Pixis

بخش‌های شروع و خاتمه این شش واریاسیون را شخصاً ساخته و اجرا نماید. لیست بخوبی می‌دانست چگونه با اجرای عالی خود شنوندگان را مسحور کند. در سال ۱۸۳۸ «کلاراویک» (همسر شومان) که در آنموقع نوزده ساله بود، در دفتر خاطر ایش اینطور نوشت: «مالیست را شنیدیم. او با هیچ نوازنده دیگری قابل مقایسه نیست، او بدون تردید بی‌رقیب است.»



فرانس لیست در حضور فرانس ژوزف امپراطور اتریش

موفقیت لیست در همه جا، بخصوص در شهر پاریس زیاد بود. او در طی هفت الی هشت سال، مسافرت‌های کنسرتی طولانی در سراسر اروپا کرد. در سال ۱۸۴۰ هنگامی که برای اجرای برنامه‌ای اعازم شهر «لیست» شد، در حدود بیست هزار نفر از اهالی شهر از او بعنوان «قهرمان ملی مجارستان» استقبال فراوانی بعمل آوردند. در برلن مردم از فرط اشتیاق جلوی کالسکه لیست را گرفته و مانع حرکت اسبها می‌شدند و لیست بناچار با پای پیاده به هتل اقامتگاه خود پناه می‌برد در لیبزیک بعد از آنکه «شاهدیو» شوبرت را اجر کرد، شنوندگان چنان تحت تأثیر قرار گرفتند بی‌اختیار از روی صندلی خود بلند شدند. زنان غالباً لباس مردان را در برمی‌کردند تا بتوانند لیست را در سفرها همراهی کنند. عده‌ای دستکش‌هایی را که عکس لیست روی آنها نقش شده بود، بدست می‌کردند. در یک گزارش که از آن زمان بیادگار مانده، ضمن اشاره به کنسرت لیست

دربرن، اینطور نوشته شده است :

«دیوانگان بزرگترین شب پیروزی خود را جشن گرفته بودند»

لیست از سال ۱۸۳۹ تا ۱۸۴۷ با موفقیت زیاد در بسیاری از شهرهای اروپا از قبیل مادرید، کینهاگ، لندن، پاریس، برلن و لیپزیک برنامه اجرا کرد و در همه جا دوستداران خود را به تحسین واداشت. او با «فانتازی» های خود شنوندگان را مسحور می کرد؛ آنگاه فوگ های ارگ باخ را که برای پیانو تنظیم کرده بود، می نواخت و سپس نوبت به آثار بتهوون، شوپرت، وبر و مندلسون میرسید.

در سال ۱۸۴۱ لیست بیست و یک کنسرت در برلن اجرا کرد و بیش از هشتاد اثر مختلف را نواخت. او از تکرار یک اثر خسته می شد.

در اوایل قرن نوزدهم ویولونیست جوانی، در وین مورد استقبال فراوان قرار گرفت زیرا برای اولین بار در تاریخ نوازندگی، کنسرتی را از حفظ و بدون استفاده از نوت اجرا کرد. این روش بتدریج در تالارهای کنسرت رواج یافت. در سال ۱۸۳۹ «کامیلا پلایر» لیست را برای شرکت در کنسرتی دعوت بهمکاری کرد «ویرتوئوز» بزرگ قسمتی از اپراتوار غنی خود را از حفظ نواخت.

لیست در سال ۱۸۳۹ برای اولین بار بدون همکاری و شرکت سایر هنرمندان و نیز بدون همراهی ارکستر کنسرتی ترتیب داد و تاریخ موسیقی او را به عنوان اولین اجرا کننده «رسیتال» پیانو می شناسد. برلیوز راجع باین موضوع اینطور نوشته است :

«از این ببعده برای نوازنده مهم نیست که ارکستر شهری که او برای اجرای برنامه عازم آنجاست خوبست یا نه. او می تواند یا اطمینان بهمه بگوید که من ارکسترم، من گروه کر را تشکیل میدهم، همچنین رهبر ارکستر کسی جز من نیست.»

اما راجع به نوازندگی لیست، برلیوز خصوصیات اجرای لیست را در این چند جلسه خلاصه می کند: «ریزه کاری های تکنیکی، گلیساندوهای اکتاو، تریل های آکورد و پرش های جالب ...»

لیست حداقل با دو «ویرتوئوز» بزرگ معاصر خود یعنی تالبرگ و کالکبرنر در یک ردیف بود و خطاست اگر او را فقط یک متخصص «تکنیک پیانو» بشناسیم. آنچه معاصران لیست را به تحسین وادامیداشت «تنوع در رنگ آمیزی» و «روح بخشیدن بموسیقی» بود. یک ناقد فرانسوی در سال ۱۸۴۴ راجع به لیست چنین نوشت :

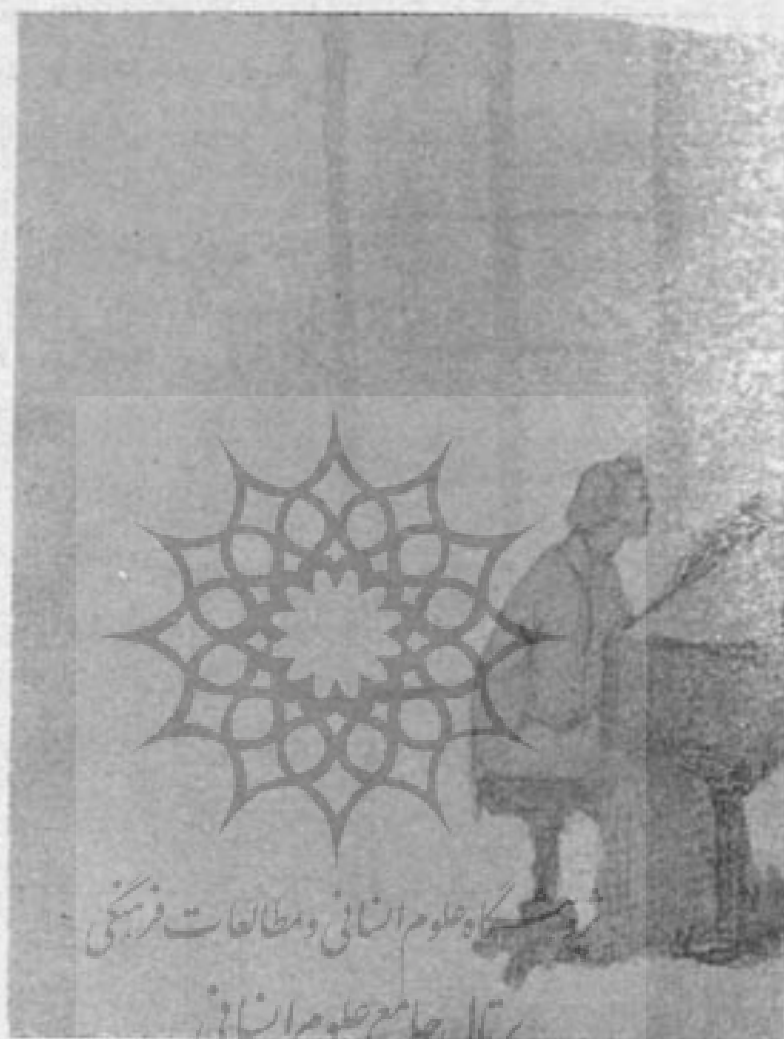
«شخص باید او را حتماً در جلوی پیا نوبه بیند تا به نبوغش پی ببرد . به محض اینکه اودست بر روی شستی های پیا نومی گذارد و نواختن آغاز می کند الهه نبوغ در قلبش جای می گیرد. اودیکر يك انسان نیست بلکه يك وجود افسانه ای است؛ شبحی است که باین جهان تعلق ندارد...»

کالکبر نر ، تالبرگ و لیست از استقبال فوق العاده «یوبلیک» برخوردار



کلارا شومان

بودند ؛ برخلاف نوازندگی فردريك شوین زیاد مورد توجه مردم نبود. خود شوین در اینباره می گوید ؛ «من قادر نیستم که کنسرت های جالبی اجرا نمایم ، زیرا در جلوی «پوبلیک» دست و پایی خودم را گم می کنم ؛ تنفس این همه آدم هوای مورد نیازم را مسموم می نماید و تماشای هزاران چشم کنجکاو مرا فلج می کند ؛ من در برابر این همه چهره بیگانه لال می شوم .»



فردريك شوین

شوین در مدت سی سال فقط در حدود سی مرتبه در کنسرت های عمومی شرکت کرد. بنا به عقیده معاصران او، شوین يك پیاپیست همه جانبه بود . او در نواختن پیانو زیاد دقت می کرد و شاید تنها ایرادی که می توان باو گرفت این باشد که نمی توانست آهنگ ها را آنطور که باید و شاید قوی اجرا کند ؛ اما طرز اجرای عالی شوین و رعایت کامل نواها ، جبران ضعف او را می کرد

در اواسط قرن نوزدهم دوران درخشان « ویرتوئوزیته » پایان رسید و شاید بهمین دلیل بود که لیست در این زمان به مسافرت‌های خود برای اجرای برنامه، خانمه داد و در عوض رهبری ارکستر دربار و ایما را به عهده گرفت .

بیست سال تمام « الکساندر درایشوک » سرگرم اجرای « ویرتوئوزیته » بود و در این مدت آثار پیانوی روبرت شومان را بکلی نادیده گرفت . بعد از غروب عصر « ویرتوئوزیته » درایشوک نیز به آثار سایر آهنگسازان توجه کرد و مخصوصاً با اجرای ساخته‌های شومان پرداخت .

در سال ۱۸۶۱ « آدولف کولاک » کتاب مشهور خود « استتیک نوازندگی پیانو » را منتشر کرد .

یکسال بعد « کارل تاوسیگ »^۱ شاگرد مورد علاقه لیست کنسرت جالبی در وین اجرا کرد و ضمن آن سونات شماره ۱۰۹ بتهوون ، کارناوال شومان و برخی از آثار هندل ، شوپن ، فیلد^۲ و لیست را نواخت . تاوسیگ تکنیک درخشانی داشت و بهمین جهت یکسال قبل از مرگ زودرس خود ، شهرت فراوانی کسب کرد . تاوسیگ گاهی آثار خود را نیز اجرا می کرد اما « هانس فون بولو »^۳ فقط با اجرای آثار دیگران می پرداخت .

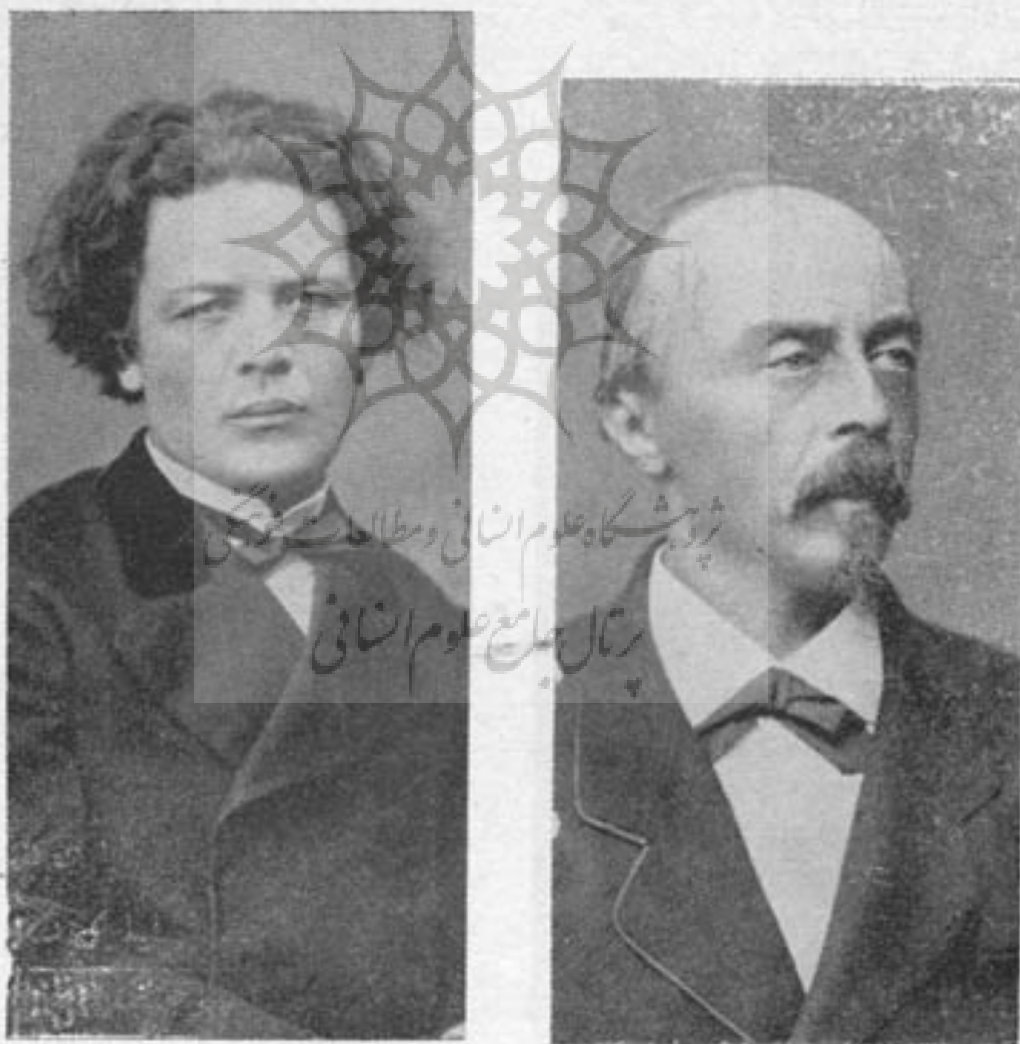
بولو چه بصورت رهبر ارکستر و چه بعنوان پیانیست خود را وقف اجرای بتهوون ، شومان ، برامس ، شوپن و لیست کرد . او نسبت به شنوندگان خود سخت گیر بود ، بطوری که یکبار پنج سونات پیانوی بتهوون را بی درپی نواخت و دفعه دیگر فقط آثار برامس را اجرا کرد ، حتی یکشب بعضی از آثار لیست را دوبار نواخت تا جایی که سروصدای « ادواردها نسلیک » بلند شد و در مقاله‌ای بولور ابعاد انتقاد گرفت که : « اصول کهن اجرای برنامه در کنسرت را بکلی بهم زده است . » از همین زمان زن نیز بعنوان اجرا کننده وارد تالارهای کنسرت شد و بتدریج تعداد بانوان نوازنده آنقدر زیاد گردید که در سال ۱۸۸۳ نود درصد هنرجویان رشته پیانو کنسرواتوار وین زن بودند . توجه به مسائل اجتماعی و بخصوص شروع آزادی زنان را می توان عامل اصلی این امر دانست . البته زن‌ها تنها هنرجویان مدارس موسیقی نبودند بلکه گاه نیز در تالارهای کنسرت برنامه‌های جالبی اجرا می کردند و بخصوص در کنسرت‌های آخر هفته غالباً زن‌ها نوازنده بودند .

۱ - K. Tausig

۲ - Field

۳ - H. v. Bülow

متأسفانه بسیاری از نوازندگان زن بمرور ایام فراموش شده‌اند ولی از بین آنان می‌توان کلارا شومان را نام برد که دختر استاد معروف پیانو «فردریک ویک» بود. خاطره این زن هنرمند هنوز هم در قلب بسیاری از دوستداران هنر زنده است. کلارا شومان یازده سال بیشتر نداشت که با اجرای چند قطعه بوسیله پیانو، شاعر معروف گوته را به حیرت واداشت. او در بیست و یکسالگی برخلاف میل پدرش بارو برت شومان عروسی کرد و چندین سال همراه شوهرش به بسیاری از ممالک اروپا و از جمله به روسیه سفر کرد و غالباً بخش پیانو کنسرت‌ها را بعهده می‌گرفت. ده سال بعد از ازدواج با شومان، بعنوان سولیست در تالارهای کنسرت راه یافت و رسیتال‌های پیانو متعددی اجرا کرد. تکنیک او درخشان و اجرایش قوی و روشن بود. یک ناقد موسیقی راجع باو اینطور نوشت: «کلارا شومان نه فقط خوب می‌نوازد، بلکه آثار اجرایی توسط او نیز خوب انتخاب شده است.» کلارا در سال ۱۸۷۸



آنتون روبشاین

هانس فون بلو

بعنوان هنرآموز پیانو در مدرسه عالی موسیقی مشغول کار شد.

در اواسط قرن نوزدهم از بین موسیقی دانهای روسی فقط یکنفر توانست شهرت خود را با نسوی مرزهای روسیه برساند ، واوکسی جز آنتون روبنشتاین نبود. روبنشتاین در مدتی کوتاه در بهترین تالارهای کنسرت اروپا و آمریکا راه یافت و نوازندگی او، بخصوص «فورته» هایش مورد اعجاب و تحسین شنوندگان بود بعد از اجرای برنامه‌های دروین در سال ۱۸۶۷، هانسلیک راجع به روبنشتاین اینطور اظهار عقیده کرد: «او بخش «فورته» قطعات را با نیروی فوق تصور و بخش «پیانو» را با ظرافت خاصی می‌نوازد. و امیل ساورنوشت: «بعقیده من و عده زیادی از دوستداران موسیقی با آنکه روبنشتاین غالباً «فالشن» میزند، باز نوازندگی او بر آنها که «درست» میزنند، برتری دارد»

در سال ۱۸۳۸ آنتون روبنشتاین در حالی که ۹ سال بیشتر نداشت، اولین کنسرت خود را در مسکو اجرا کرد. سه سال بعد عازم اروپای غربی شد و کنسرت‌های متعددی در شهرهای مختلف ، و از جمله در پاریس داد و شهرتی بهم رسانید. چندی بعد با اتفاق ویولونیست مشهور نهبستانی «هنری وینیاوسکی» برنامه‌های چندی در

امریکا اجرا کرد و مدتی هم بعنوان رهبر ارکستر ، کنسرت های «انجمن وین» را رهبری نمود .



از خدمات فراموش نشدنی آنتون روبنشتاین به روسیه، ایجاد و پایه گذاری کنسرواتوار پترزبورگ - که ضمناً اولین مدرسه موسیقی روسیه نیز بشمار میرفت - در سال ۱۸۶۲ بود. چهار سال بعد نیکولای روبنشتاین، برادر آنتون - که «پداگوگ» و پیانیست هنرمندی بود - کنسرواتوار مسکو را بنیان نهاد. نیکولای روبنشتاین از بسیاری

تنودور لشتبکی

جهات خصوصیات مشترکی با «تئودور لشتیسکی»^۱ بیانست لهستانی داشت. لشتیسکی ضمن سالها فعالیت در پترزبورگ نفوذ زیادی در موسیقی دانان جوان پیدا کرد و چون در سال ۱۸۷۸ در وین اقامت گزید، بسیاری از هنرجویان رشته موسیقی کشورهای مختلف برای گرفتن تعلیم از او، عازم وین شدند. او در وین با شاگرد با استعداد خود «آنت اسی پوف»^۲ ازدواج کرد و با تفاق، اجرای پیانو بوسیله چهار دست را در تالارهای کنسرت رواج دادند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۱- T. Leschetizky

۲- A. Essipoff